

معمولاً شرکت در مراسم تدفین و یادبود برای من بسیار تکان‌دهنده و آموزنده است. شنیدن شهادت‌های نزدیکان آن مرحوم در مورد زندگی و خصوصیات اخلاقی و بالخصوص تأثیر او بر زندگی آن‌ها برایم بسیار شنیدنی است و معمولاً پس از برگشت از چنین مراسمی از خود می‌پرسم که برآستی خانواده، نزدیکان، دوستان، همکاران، اعضای کلیسا، همسایه‌ها و به‌طور کلی دیگران پس از مرگ در مورد من چه شهادت خواهند داد؟ اثر من و زندگی من هر چند ناچیز و کوچک، بر تاریخ چه خواهد بود؟

نویسندگان انجیل در ضمن اینکه گلچینی از شرح زندگی، معجزات و اعمال عیسی را به‌رشت □ تحریر در می‌آورند، تا حدودی نیز ما را با شاگردان و دوستان و پیروان عیسی و خلق و خوی آن‌ها آشنا می‌کنند و هرچند انجیل شرح زندگی و اعمال آن‌ها نیست، ولی با خواندن آن می‌توان تا حدودی با نزدیکان عیسی آشنا شد.

در انجیل در میان جرگ □ دوستان عیسی، با زنی آشنا می‌شویم مریم نام. این مریم، مریم مادر عیسی و یا مریم مجدلیه که عیسی از او ۷ دیو بیرون کرد، نیست. این مریم، خواهر ایلعازر و مارتاست و اهل بیت‌عنیا. در انجیل، در برهه‌های متفاوتی از شرح حال زندگی عیسی سه بار به مریم بیت‌عنیا اشاره شده و هدف از این مقاله مروری است اجمالی بر این سه مورد و بررسی شهادتی است که تاریخ از زندگی این زن می‌دهد. می‌خواهیم ببینیم که تأثیر این زن بر روی اطرافیان و نیز عیسی چه بود و در این ضمن از او درس‌هایی برای خود بیاموزیم.

مرتب □ اولی که به مریم اشاره شده، در خان □ خواهرش مارتاست که شرح آن را در لوقا ۱۰:۴۲-۳۸ می‌خوانیم. در اینجا می‌بینیم که عیسی بر سر راهش به دهکد □ بیت‌عنیا می‌رسد و خانمی مارتا نام او را به خانه‌اش دعوت می‌کند. در حینی که مارتا به‌شدت در تکاپوست و برای رفاه میهمانانش زحمت می‌کشد، مریم خواهرش را می‌بینیم که بی‌دغدغه کنار پاهای عیسی نشسته و به سخنان او گوش فرا می‌دهد. جالب اینجاست که وقتی بالاخره حوصل □ مارتا از انفعال خواهرش سر می‌رود و به عیسی از او شکوه می‌کند، عیسی به‌جای توبیخ مریم و تشویق مارتا، با محبت مارتا را نکوهش می‌کند و به او می‌گوید: «مارتا! تو را چیزهای بسیار نگران و مضطرب می‌کند، حال آنکه تنها یک چیز لازم است؛ و مریم آن نصیب بهتر را برگزیده، که از او بازگرفته نخواهد شد.»

اگر امروز از شما سؤال کنم که خودتان را بیشتر شبیه به مارتا می‌بینید یا به مریم، چه جواب خواهید داد؟ شاید شما هم مثل من باشید و بگویید به مارتا. ما خانم‌ها مسئولیت‌های زیادی بر دوش داریم و غلو نیست اگر بگوییم که بسیار زحمت می‌کشیم. یا مسئولیت شوهر و بچه و خانه را داریم یا بیرون کار می‌کنیم یا درس می‌خوانیم یا مسئولیت پدر و مادر و خواهر و برادر را داریم و یا چند تا از این کارها را با هم انجام می‌دهیم. برای همین خیلی عجیب نیست که می‌توانیم به‌راحتی با مارتا همدلی کنیم و درست سر از حرف‌های عیسی در نیابیم و از خود بپرسیم که آیا عیسی قدر کارها و زحمات و فداکاری‌های مارتا را نمی‌دانست؟ آیا عیسی نمی‌فهمید که مارتا هم دوست دارد بنشیند و از او بشنود، اما اگر به آشپزخانه نرود، چگونه می‌تواند شکم عیسی و میهمانانش را سیر کند؟ در مورد خودمان چطور؟ آیا عیسی قدر کارها، زحمات و فداکاری‌های ما را می‌داند؟ آیا او می‌بیند که ما چطور زندگی‌مان را صرف رفاه دیگران می‌کنیم؟

بله، او می‌داند و می‌بیند اما برای ما نصیب بهتری در نظر دارد و ما را تشویق می‌کند که به دنبال آن باشیم. خانم‌های عزیز، بدون تعارف می‌گوییم که دست شما درد نکند و واقعاً خدا شما را برای تمامی زحماتی که می‌کشید برکت دهد. من که تنها یک انسان هستم و بسیار محدود، از این حقیقت به‌خوبی آگاهم پس چقدر بیشتر عیسی می‌داند و می‌بیند. اما با این همه او تنها به تشویق ما کفایت نمی‌کند، او برای ما نصیب بهتری دارد که می‌خواهد به آن برسیم.

مریم این نصیب بهتر را تشخیص داده و آن را برگزیده بود. این نصیب بهتر چیزی نبود جز نشستن کنار پاهای عیسی و سخنان او را به گوش جان شنیدن. مریم تشخیص داده بود که این مهمترین چیز برای اوست. او برآستی فهمیده بود که «انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلامی که از دهان خدا صادر شود» (متنی ۸:۳). هرچند برآوردن احتیاجات خانواده و انجام وظایف محوله مسئولیت ماست، ولی خدا عطا کند که اول مهمترین را برگزینیم و بعد مسئولیت‌های دیگرمان را انجام دهیم. اول به وقت دهیم و از او بشنویم و بعد مشغولیات دیگر را انجام دهیم. شاید بگویید که نمی‌رسیم، وقتش را نداریم. اما عزیزان به شما بگویم که اغلب لازم است برنامه □ زندگی‌مان را به دقت بررسی کنیم و از انجام بعضی امور کم‌اهمیت‌تر بکاهیم تا بتوانیم به امور مهم‌تر وقت بدهیم. بیایید تنها به فکر رفع احتیاجات جسمی و مادی خود و خانواده و اطرافیان نباشیم بلکه بدانیم همانطور که عیسی می‌گوید برای ما همه، تنها یک چیز لازم است و مثل مریم آن نصیب بهتر را برگزینیم که از ما بازگرفته نخواهد شد. مریم زن مجردی بود که به اقتضای جامع □ خودش زیاد خارج از محدود □ خانواده وقت صرف نمی‌کرد. اما حتی در همان محدوده هم به‌خاطر شناختی که از عیسی کسب کرده بود، می‌درخشید. تصور کنید اگر ما خانم‌ها نصیب بهتر را برگزینیم تأثیر ما در جامع □ امروز چه خواهد بود؟ اگر نصیب بهتر را برگزینیم و هر روز از عیسی بشنویم، چه اثری بر زندگی شوهر، بچه، پدر، مادر، خواهر، برادر، دوست، همکار، همکلاسی و ... خود بر جا خواهیم گذارد؟

حتماً با خواندن این قسمت از زندگی مریم با خود می‌گوییم خوشا به‌حال مریم، عجب زنی بود و عیسی چه شهادتی دربار □ او داد. شاید فکر کنیم که این زن با وجود چنین بصیرت و شناختی که از عیسی داشت، ایمانش به محبت او هرگز متزلزل نشد. اما با خواندن انجیل یوحنا باب ۱۱ آیات ۳۷-۱ متوجه می‌شویم که مریم هم زنی بود عادی مثل ما.

در این قسمت می‌خوانیم که ایلعازر برادر مریم و مارتا بیمار بود و خواهرانش برای عیسی که در شهر دیگری بود پیغام می‌فرستند و او را از این امر با خبر می‌سازند. با این‌همه، عیسی به‌موقع نمی‌آید و ایلعازر می‌میرد. وقتی بالاخره ۴ روز پس از دفن او خبر آمدن عیسی می‌رسد، مریم که به‌شدت سوگوار بود، در خانه می‌ماند و به استقبال عیسی نمی‌رود. راستی، آیا از خود پرسیده‌ایم که چرا مریم در خانه ماند؟ آیا او به‌عمد از دیدن عیسی دوری می‌کرد؟ در انجیل در این‌باره چیزی نوشته نشده اما چنین

تعبیری خیلی هم دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. معمولاً نگاه کردن به صورت کسی که شما را ناامید و مأیوس کرده، بسیار مشکل است.

بالاخره وقتی عیسی سراغ او را از مارتا می‌گیرد، می‌آید و به پای عیسی می‌افتد و عیناً سخنان مارتا را تکرار می‌کند (هر چند که خودش آن موقع آنجا نبود تا آن را بشنود): «سرورم، اگر اینجا بودی برادرم نمی‌مرد» (یوحنا ۱۱: ۳۲). انگار به عبارتی دیگر به او می‌گفت: «کجا بودی وقتی محتاجت بودم؟ اگر واقعاً همانطور که می‌گویی ما را دوست داری، چرا اجازه دادی ایلعازر اینقدر عذاب بکشد؟»

در این ماجرا، محبت بسیار عمیق عیسی را می‌بینیم. وقتی او به بیت‌عنیا آمد تا به مریم و مارتا و دیگر حاضران حقیقت عظیم قدرت قیامتش را تعلیم دهد، از خود دفاعی نکرد و دلیلی برای غیبتش نیاورد. چون ماتم و زاری آن‌ها را دید، در روح برآشفت و سخت منقلب گشت و بر سر قبر ایلعازر ایستاد و بگریست. او بر حال تمامی مریم‌ها و مارتاهایی گریست که در این دنیا مرگ را تجربه می‌کنند و سنگ جدایی، میان آن‌ها و عزیزانشان قرار می‌گیرد. اشک‌های او، بیانگر حزن عمیق و قلبی اوست (یوحنا ۱۱: ۳۵). همانطور که در این قسمت می‌خوانیم، بالاخره «عیسی بانگ بر می‌آورد و فرمان بیرون آمدن ایلعازر از قبر را صادر می‌کند و او به این دنیای شورو باز می‌گردد و شادی تمامی وجود خواهرانش را در بر می‌گیرد».

با وجودی که مریم عیسی را می‌شناخت و سخنان عیسی را به‌گوش جان شنیده بود و او را بسیار دوست می‌داشت، در زندگیش زمانی پیش آمد که به محبت عیسی و صحت کلام او شک کرد. اما عیسی علی‌رغم این، همچنان در کنار او باقی ماند و او را محبت کرد.

دفع □ سومی که در اناجیل از مریم یاد شده، میهمانی دیگری زیر نظر مارتای کدبانو برای تجلیل از عیسی برپاست (یوحنا ۱۲: ۸-۱). در حین میهمانی، وقتی همه بر سفره نشسته‌اند، مریم به اتاقی دیگر می‌رود و پس از مدتی با شیشه‌ای بزرگ از عطر سنبل خالص باز می‌گردد. سپس تمامی عطر را بر پاهای عیسی می‌ریزد و آن‌ها را تدهین کرده، با گیسوانش می‌خشکاند. کار او به‌نظر حاضران هدر دادن یک چیز گرانبها بود و به همین خاطر نکوهشش می‌کنند اما عیسی بر آن ارج می‌نهد (یوحنا ۱۲: ۷).

تشخیص اراده و وقت‌های خدا، مستلزم ساعت‌ها کنار پاهای او نشستن و از او شنیدن است. مریم در میان شاگردان تنها کسی بود که پیشگویی‌های عیسی در مورد مرگش را به‌خوبی فهمیده بود و از این رو فرصت را مغتنم شمرده، بهترینش را به‌پای او می‌ریزد. اگر امروز ما هم می‌خواهیم اهداف و نقشه‌های خدا را به پیش بریم باید یاد بگیریم که همچون مریم کنار پاهای او بنشینیم.

همیشه شیش □ عطر گرانبهای مریم فکر مرا به خود مشغول می‌کند. مفسرین کلام خدا می‌گویند که این شیشه عطر، تمامی مایملک مریم را تشکیل می‌داد و چه بسا که آن را به‌عنوان چیزی به برای تأمین زندگی و آینده‌اش نگاه داشته بود. امروز شیش □ عطر گرانبهای من و شما چیست؟ آن گنجین □ گرانبهایی که متعلق به ماست و با دل و جان دوستش می‌داریم و می‌خواهیم برای خود نگه داریم، چیست؟ در زندگی ما این شیشه می‌تواند نماینده □ چیزهای زیادی باشد. شاید نماینده □ شوهر ماست و یا بچه‌های ما. شاید هم نماینده □ آزادی یا وقت و ثروت ماست. آیا در محبتمان به مسیح، حاضریم تمامی هستی و مایملک خودمان را تمام و کمال به او و برای جلال و برقراری اراد □ او تقدیم کنیم؟

عیسی مریم را دوست داشت. او را دوست داشت چون بصیرت داشت و از این رو نصیب بهتر را برمی‌گزیند و در او تمتع می‌برد. عیسی حتی در شرایطی که مریم مأیوس بود و به محبتش شک می‌کرد، او را دوست داشت و نیز او را به‌خاطر جلو □ عالی محبتش یعنی ریختن قربانی گرانبهایش که همانا نهادن آینده‌اش در دست‌های عیسی بود، دوست می‌داشت.

براستی، چه چیزهایی در زندگی مریم موجب شد که از خود یک اثر به‌جاماندنی و مثبت در تاریخ باقی بگذارد؟ شاید بتوان آن‌ها را در این سه نکته خلاصه نمود:

۱- انتخاب آنچه از عیسی دریافت کرد.

۲- نحو □ مواجهه‌اش با شک‌ها.

۳- انتخاب آنچه به عیسی داد.

با خواندن زندگی مریم، می‌بینیم که من نیز می‌خواهم همچون او باشم. می‌خواهم کنار پای عیسی بنشینم و از او بشنوم، می‌خواهم حتی در مواقع شک و یأس بدانم که او با من است و محبتش نسبت به من کماکان پابرجاست. همچنین می‌خواهم وقت‌ها را تشخیص دهم و بهترینم را در وقت لازم به او تقدیم کنم. شما چطور؟ هم □ ما در این مورد حق انتخاب داریم. مریم نصیب بهتر را برگزید (لوقا ۱۰: ۴۲). باشد که ما نیز راه او را دنبال کنیم.